

معمولا ادبیات اردوگاهی، هم دربردارنده ی گوشه هایی از جنگ است و هم زندگی اردوگاهی یک اسیرجنگی را تصو ی می کند . شاید به همین دلیل است که این ادبیات هم از جنبه ی ادبی و هم از جنبه ی تاریخی قابل اعتناو استناد است. یک فصل در میدان ها و خطوط نبرد می گذرد تا سرباز به اسارت نیروهای دشمن درآید ، فصل دوم هم شروع زندگی سخت و طاقت فرسای اسارت است.

مهمترین شاخصه ی ادبیات جنگ، تجربی بودن آن است . جنگی که پای انسان در میان است . به یاد مانده های ذهنی یا به اصطلاح امروز “خاطرات” که رای – اول شخص –آن را بیان می کند، بر اساس دیده ها و تجربه های فردی اوست. می توانیم بگوییم که همه ی این گونه های ادبی در قالب و فرم خاطرات، تدوین شده است . وقتی خاطرات یک اسیرجنگی را مطالعه می کنید ، هیچ چیز را در آن ساختگی نمی بیند . این موضوع بستگی به میزان علاقه مندی ما دارد و همین طور نیاز ما به بیش تر دانستن از این زندگی پنهان و خشن. ما در ادبیات اردوگاهی با انسانی طرف هستیم که ممکن است حتی ‘موا’ را هم از او بگیرند. من و شما در جنگ نبوده ایم و به اسارت هم در نیامده ایم تا همه ی هویت مان در یک شماره خلاصه شود. بنابراین هر حکایت و روایتی که از اردوگاه ها برپایمان گفته شود ، راهی است برای درک زندگی یک اسیر جنگی .

گونه های دیگر ادبی نیز در اردوگاه ها خلق می شود ؛ شعر، قطعه های ادبی ، نمایشنامه که از همه ی این ها مهم تر ‘نامه های’ اسیران جنگی است که هر کدام انبان کوچکی از رازهاست. خاطرات و نامه ها ارتباط درونی تری با اسیران جنگی دارد، به همین دلیل از مطالعه ی آن ها بهتر می توان به درون و برون یک اسیر جنگی راه یافت . تعجب می کنید ، ولی این امار را چند سال پیش از یکی از مدیران هلا ل احمر خودمان شنیدم . شش میلیون نامه میان اسیران جنگی ایران و خانواده هایشان رد و بدل شده است .

ژانر ادبیات اردوگاهی اختصاص به قرن بیستم دارد . این که چند سالی است به پایان رسیده ،دو جنگ هولناک را در ورق های تقویم خود دارد . میلیون ها انسان در این دو جنگ به اسارت در آمدند و طبیعی است که بستر مناسبی برای ظهور این گونه ی ادبی فراهم شود . اگر به آسانی از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ – ۱۹۱۴) بگذریم که سخت است، می توان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ – ۱۹۳۵) را منشا ادبیات اردوگاهی دانست .

کتاب “سلاخ خانه ی شماره ی پنج” نوشته ی “کورت وگت” نخست وسه سال پس از پایان



جنگ جهانی دوم نوشته شد . این کتاب در ایران ترجمه شده است. ونه گات اسیر جنگی بود و شاهد مرگ ۱۳۴۰۰۰ انسانی بود که در شهر درسدن توسط هواپیمایی متفقین در بمباران کشته شدند. اندوه اسارت ، اندوه عمیقی است و مانند

نکته ایی که برابیم جالب است، این است که اسیر ایرانی فقط خاطرات خودش را ننوشته، بلکه خاطرات دیگرانی را هم گفته که ممکن است تا آخر عمر قلم برندارند و نتویسند که چه روزشان آورده اند . بسیاری از خاطرات فردی پر است از خاطرات دیگرانی که در اطرافش زندگی می کنند

گدازه ی آتشفشان یک روزی فوران خواهد کرد.

شما می دانید قلم و کاغذ در اردوگاه های اسیران جنگی از وسایل ممنوع است. در اردوگاه های عراق به شدت در این مورد سخت گیری می کردند.

ادبیات بی مرز



تا به حال با دو مورد یادداشت روزانه از اردوگاه های عراق رو به رو بوده ام . اولین بار در روستای “تهمتن کلا” از روستای بندپی بابل بود. “جواد محمد پور یکی از اسیران ایرانی که موفق شد بخشی از اسالهای اسارت خود را روی کاغذ های “آلف” – که کاغذ طریقی است در اندازه ۷ x۴ سانت که برای پیچیدن توتو ن سیگار در اختیار اسیران ایرانی قرار می گرفت– بنویسد و بازحمت زیاد به ایران بیاورد . حاصل اوین یادداشت های روزانه به همراه خاطرات او کتابی دو جلدی شد به نام “دیوارهای بغداد” که اکنون نایاب است.

مورد دوم کار عجیبی است. اسیران ایرانی مجموعه ی سخنرانی های “ابوترابی” را که به مناسبت های مختلف در اردوگاه ها، مخفیانه انجام می شد ، روی کاغذهایی نوشته و به ایران آوردند . حاصل این نوشته ها کتاب ارزشمندی شد با عنوان “آزرتیر کربلا” که این کتاب امروز در بازار هست و شاید از نادر یادگارهای مکتوب ایشان باشد . کتاب “گفت و گو بامرگ” نوشته “آرتور کستلر” را فقط دیده ام . این نویسنده ی معروف در جنگ های داخلی اسپانیا ۱۹۳۷به اسارت نیروهای فرانکو درآمد . البته بخش هایی از این اثر یادداشت روزانه ی او و خواندنی است. درحالی که او فقط یکصد روز اسارت کشیده بود .

همه ی موضوع هایی که در دنیای اسارت می گذرد قابل اعتناست،موضوع ها کاملا انسانی هستند. تا امروز که با هم حرف می زنیم، حدود یکصد عنوان کتاب از خاطرات اسیران ایرانی منتشر شده . آن

– من اینو نتواستم ...اما....

دلاور سر گل انار را بلند کرد و نگاه در نگاه کشاند.

– اما چی؟

گل انار حوصله کرد تا نفس را در گلویش آرام کند.

بعدگفت:راه دیگه ای نیست؟

– که چی؟

– که بشه زندگی کرد .

– چرا، چرا هست .

ناگهان لحن گل انار به مویه مانند شد. همچون ناله مرغ ماهیخوار وقتی که ماهی از دهانش بیرون بلغزد.

گفت : پس دیگه چی؟...آدمیزاد همیشه به طرف بیشترین میرهامااگه نرسید ماتم نداره. دلاور خود را کنار کشید و روی پایااستاد، دستش را تکاند تا شنهای ساحل از کف دستش فرو بپریند .

–آدمیزاد هیچ وقت به بیشترین نمی رسه.ولی سخته آدم دستش رو میو ن دندونهای کوسه جا گذارده و بنشه ساحل نشین .

آن وقت وایسه و ببینه دیگرون سهمش رو ازدریا می خورن.

–خودت گفتی راه دیگه ای هست .

وقریاد دلاور، جان گل انار را لرزاند.

هست . اما اگه به قلاب هرکس و ناکسی دهن بدی .

– دلاور ...

–بی کار شدم چون لب به قلاب ندادم. نتواستم . چیچه دلاور؟

–دلاوردلاور نزدیک رفت و نگاه درنگاه گل انار دوخت .

من ماهی ای نیستم که باهر توری بالایام بکشن . زندگیم رو موجهاست ، جابم رو دریاست، وماندند. گل انار آرام گرفت و سر برشانه دلاور گذاشت. چون طعمه ای که خود به تسلیم حریف گردن می دهد .

– حالا چه می کنی؟

–من فردا صبح میرم. باید زندگی کرد گل انار. همون طوری که لازمه .

– پس من چی ...تو شوی منی !

دلاور رو به دریا کرد.

–می تونی شریکم نباشی ! اگه غم و غصه من نیست . میگن بشین تو ساحل صید دیگرون رو و بشمار و زندگی کن .

–خب؟

–خب که چی؟ ...! نکته تو هم حرف اوتا رو به دل می خری . قبول می کنی شویت بشه ترازودار صید دیگرون.

–نه، دلاور، نهحالا می خوای چکارکنی؟

– زندگی.

–خالااگه انداختنت بیرون؟

–ها . سخت ترمیشه . اما میشه .

وگویی نفس از گل انار رفت که زانوهایش سست به زمین افتاد و در شنها فرو رفت. دلاور با یک جست پهلوش دست بر زمین تکیه داد و گفت:

گل انار!

–هوم؟

–می دونم برات سخته . اما هرگز از من نخواه این دستمو برای گدایی چیزی دراز کنم که ازخودم چون گرفته . تنهاست ولی هنوزم میتونه تور

بندازه و روزی مون رو از دریا بگیره ...نخواه

ببقتم به گدایی .

ادبیات بی مرز

قدر موضوع های تازه و باورنکردنی در این خاطرات هست که به راحتی دهان هر محقق خوش نوقی را می اندازد. مثلا خندیدن در اسارت از موضوع های کاملا غیر عادی است . فراهم کردن زمینه ی طنز در دنیای اسارت از خندیدن هم غیرعادی تر و حتی تا مرز محال است. طنز در شرایط عادی به وجود نمی آید . اساسا بروز طنز به یک فرهنگ غنی نیازمند است و اسیران جنگی ایران از این روحیه برخوردار نبودند . جبهه های جنگ ما، جبهه ی جوانی بود، و خنده و شوخی رونق زیادی داشت . یکی از فواید خندیدن در اسارت کوچک کردن دیکتاتوری مثل صدام و بزرگ ترهایش بود. خنده ، آن محیط سخت و خشن را نرم می کرد تا اسیر ایرانی بتواند انبوهی از خشونت و جهل قومی را تحمل کند . اولین چیزی که هراسیر جنگی یاد می گیرد، حس زنده ماندن است . این فن را اسیران ما به خوبی آموخته بودند و “ابوترابی” سهم بسیاریزرگی در یاد دادن این فن داشت . شما نگاه کنید به القابی که اسیران ما به صدام داده بودند، مانند سیفون، حاج هوشنگ ،ابولی، گرگر، هوشنگ خان ،بالان دوز، قلی و ... سلاح اسیر جنگی در اردوگاه ها رفتار و گفتار است . تحمل این دنیای بی عاطفه که دشمن به شما سپسیده است ، بسیار دشوارتر از ماندن در خطوط مقدم میدانهای نبرد است.

نکته ایی که برابیم جالب است ، این است که اسیر ایرانی فقط خاطرات خودش را ننوشته، بلکه خاطرات دیگرانی را هم گفته که ممکن است تا آخر عمر قلم برندارند و نتویسند که چه به روزشان آورده اند . بسیاری از خاطرات فردی پر است از خاطرات دیگرانی که در اطرافش زندگی می کنند و هر یک در لحظه هایی که او سپری کرده است ، شریک بوده اند. حتی بعضی از اسیران ایرانی برای نوشتن خاطرات خود ازحافظه ی دوستان شان هم استفاده می کنند . یک مثال برای تا ن بیایرم . یعقوب مرادی یک آزاده ی ورامینی است . کتاب خاطرات او “زندگی درمه” نام دارد . در صفحه هایی از این کتاب می گوید که نام مادرم رافرموش کرده بودم

! دروگعت نماز خواندم تا نام مادرم یادم بیاید و نامه ای برای اوبنویسم. این که می گویند جنگ ها از آدم بزرگ ترند، جمله ی درستی است و من می گویم جمله ی قشنگی است. اگر بشیراز جنگیدن خود معنا داشته باشید، برای مجروح شدن خودتان هم معنا دارید. برای معلول دایمی شدن خود هم معنا دارید . برای اسارت خود هم معنا دارید . من این معنا را به عنوان “دفاع” می گیرم؛ دفاع منطقی با هسته انسانی. درجنگ های دفاعی این آدم ها فستد که از جنگ ها بزرگ ترند ، چون دفاع می کنند . روس ها در برابر هجوم آلمان ها بزرگ تر از جنگ

بودند . ویتنامی ها در برابر اشغال امریکایی ها بزرگتر از جنگ بودند . ایرانی در برابر ارتش هفده ملیتی عراقی ها بزرگ تر از جنگ بودند . اگر بزرگتر نبودند، غلبه نمی کردند. چون برای جنگ خود معنا داشتند . عراق در جنگ با ما تنها نبود . در اردن، سودان ،لبنان و مصر و... . در روزهای جنگ واقعاً ملت ایران با دشواری بزرگی روبه رو بود ، اما توانست بارآرده ای که در جنگ های دفاعی در وجود انسان ها ظهورمی کند ، بر این دشواری غلبه

همه ی موضوع هایی که در دنیای اسارت می گذرد قابل اعتناست، موضوع ها کاملا انسانی هستند. تا امروز که با هم حرف می زنیم، حدود یکصد عنوان کتاب از خاطرات اسیران ایرانی منتشر شده

– من اینو نتواستم ...اما....

کند و اجازه ندهد عراق به اهدافی که در خاک ما داشت برسد . خالایان ادبیات مردمی و گرم که ره آورد فدakarی های یک نسل است، نسلی که مدافع همه زیبایی های این سرزمین بود ، رشد و بلوغ طبیعی داشته است . اولین علت آن است که سربازان زمان جنگ منظر مورخان و ادیبان نشدند . خودشان راه را برای بالا آمدن آن گدازه ی آتشفشان باز کردند. دومین علت آن نبود آدم های سیاسی در این حوزه ی ادبی است .

آدم های حرفه ای که در هر فصلی جایی را اشغال می کنند و حسابی وقت این مملکت را می گیرند؛ ازوزارت خانه ها گرفته تا شورای شهر، از مجلس گرفته با صنعت و معدن و هنر . ای کاش به اندازه ی ادبیایی که داشتند، کاربلد بودند. این را هم بگویم ، از زمانی که جنگ وجود داشته ، خاطرات ما بوده . از زمانی که زندان یا اردوگاه وجود داشته ، خاطرات اسارت هم بوده است . با این همه ادبیات جنگ راهی جز بیان حقیقت ندارد.

اوج پرواز کبوتر

پس برای تعلق دادن این عشق و دلپسنگی به مطلوب حقیقی و تصحیح آن ، (خداوند) انسان را توجیه داد که از کوتاهی عمر و زندگی دنیوی و ناپایداری لذت و بهره مندی آن هراساک و سراسیمه نگردد



گفت : ای پروردگار من ! مرا زنده کن تا دگر باره در راه تو کشته شوم . فرمود : پیشتر این فرمان را صادر کرده ام که مردگان به دنیا بازنگردند .

گفت : ای پروردگار من ! کسانی را که در دنیا مانده اند از حال من خبر ده .

پس خدای عزوجل این آیت را فرو فرستاد : ولاتحسبن الذین

مسلمانان بر اثر بینش جدید، مشتاق شهادت و شیفته مینوی بهشت شدند و زندگی دنیا را به طرز شگفت آوری و خوار و ناچیز شمرده ، به آسانی آن از در گذشتند، پیامبر در آرزوی شهادت می فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست که دوست می دارم در راه خدا کشته شوم. بعد زنده شوم و دوباره کشته شوم ، بعد زنده شوم و دگر بار کشته شوم .

دراخبر آمده خداوند عزوجل می فرماید : من خود سرپرست بازماندگان اویم (شهید) هر که ایشان را خشنود کند ، مرا خشنود ساخته و هرکه آنها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است .

امام خمینی (ره) در بیان شهدا فرمودند :

آنها که شهید شدند به خودشان و رسالت خودشان و به اجر خدمتشان رسیدند و امید است که ما هم یا پیروز شویم یا در راه اسلام شهید شویم .

آیت الله صدوقی (ره) می فرماید : شهید بواسطه اینکه خوش را در راه خدا می دهد ، لطف خدا را می بیند ، وجه خدا را می بیند ، عنایت خدا را می بیند ، پاداشی را که خدا به او می دهد مشاهده می نماید و هیچ چیز برای شهید خوش تر از این نیست که وجه خدا را ببیند، لطف خدا و عنایت حق را ببیند و مشمول الطاف الهیه شود.

طالع بینی

♦ **فروردین**

امروز ماه در برج جدی کامل است. اگر دوست متولد دی دارید بهتر است مدتی از اودوری کنید زیرا بداخلاق، زود رنج و بی توجه است. زمان خوبی برای انجام کارهای نیمه تمام است.

♦ **اردیبهشت**

امروز ماه در برج کامل است .این قسمت از چارت شما به تحصیلات عالی و کارهای مربوط به خارج که کمی مشکل است مربوط می شود اگر سعی کنید همه چیز را به خوبی بررسی کنید بنابراین جایی برای نگرانی نیست می توانید راحت باشید و از شرایطی که سرتراگان برایتان ایجاد می کنند سود ببرید.

♦ **خرداد**

امروز ماه در برج جدی کامل است. این قسمت از چارت شما به کارهای بزرگ، فعالیت های گروهی و رابطه های شما مربوط می شود. اما خیلی مراقب باشید.

چشم هایتان را کاملا باز کنید و مطمئن باشید که اشتباه نمی کنید.

♦ **تیر**

حالا که مشکلات و سوءتفاهم ها برطرف شده است زمان خوبی برای شروع جدید است. چرا همکاران را به یک ناهار یا نوشیدنی بعد از کار دعوت نمی کنید؟ بیش از آن چیزی که فکر می کردید با هم تفاهم دارید. با وجود ماه کامل در برج مخالف شما برج جدی، شاید ا مضب آنطور که انتظارش را دارید آرام نباشد.

♦ **مرداد**

امروز ماه کامل است و تاثیر به سزایی روی کار و سلامتی شما دارد. اگر در حال حاضر، ناراضایی در زندگی شما وجود دارد که فکر می کنید اوضاع، بهتر از این می توانست باشد، ببینید که برای اصلاح آن امروز چه می توانید بکنید. زمان هایی که ماه کامل است فرصت های خوبی است به اهدافی که داریم، نزدیک شویم. پس ببینید که چگونه می توانید کارها را سروسامان دهید. پس می توانید سراغ مطالب بعدی بروید.

♦ **شهریور**

امروز ماه در برج جدی کامل است. با همسرتان اهمیت دهید و اگر مشکلی دارید، برطرف کنید. راحت تر از آنچه هست که فکر می کنید بنابراین درنگ نکنید. اگر برنامه ای خلاق دارید آنرا اجرا کنید حتماً موفق می شوید.

♦ **مهر**

ماه کامل است و در علامت خاکی بز کوهی می باشد. این بدان معنا است که شما باید تصمیمی سخت راجع به خانه و خانواده تان اتخاذ کنید به خصوص اگر می دانید که در این بین موجب ناراحتی کسی شده ای. هم چنین ممکن است در این زمان شما بتوانید تعادل بهتری بین کار و وظایف خانه تان برقرار کنید تا این که همواره روی یکی از آنها تمرکز کنید و نگران یکی دیگر از آنها باشید. همان طور که خودتان متوجه شده اید، این راهی نیست که تمربخش باشد.

♦ **آبان**

امروز عقلانی تر فکری کنید. معاشرت با افراد هم فکر سودمند و مفید می باشد. سعی کنید در رابطه با مسائل خودتان با یک دوست مشورت کنید و از این موضوع نترسید.

امروز در خانه دی ماه یک ماه کامل است که خانه پول و منابع مالی است. امور مالی شما ممکن است جشش خوبی داشته باشد که حس اعتماد برای خریدن چیزی که مدتها چشمندان بدنبالش بوده را به شما می دهد.

خوشبختانه، فعلاً درمورد بودجه خود خیلی واقع بین هستید پس احتمال خرج کردنتان کم است.

♦ **دی**

ماه در برج خودتان (جدی) کامل است. اگر اخیراً کمی ناراحتی داشته اید اکنون احساس آرامش می کنید. همیشه تمایل دارید که احساساتتان را پنهان کنید و استرس باعث می شود که سرسخت تران همیشه شوید. شاید کمی به نظر خودتان بی خیال برسید، اما از یک پیغام کاملاً شگفت زده می شوید.

♦ **بهمن**

شاید دچار ترس های غیر عقلانی می شوید به در حقیقت هیچ نوع پایه و اساس حقیقی ندارند . شاید وسوسه شودید که افکارتان را برای کسی بازگو نکنید اما می دانید که گفتن مشکلات به دیگران باعث می شود که نیمی از مشکلات حل شود و عاقلانه است که به این نصیحت عمل کنید.

♦ **اسفند**

بدر ماه در برج خاکی شما را وادار می کند تا درباره یک رابطه منحصر به فرد فکر کنید. این می تواند یک دوستی تصادفی باشد اما به نظر می رسد که خیلی بیشتر از برخورد در نگاه است .

بهتر است سریع عذرخواهی کنید

درویا

روزانه منتشر می شود

www.daryanews.ir

تلفن : ۰۲۲۴۳۷۴۴ - ۰۲۲۴۶۳۸۴



از مواد غذایی فیبردار مثل میوه ها ، سبزی ها ، دانه کامل غلات و حبوبات استفاده کنید چون باعث کاهش چربی های خون به ویژه کلسترول می شود

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان - کمیته اطلاع رسانی و آموزش همگانی سلامت

